

۱۳۹۳۴۲۶

به نام خدا

محلات آموزشی فیزیک

(دوم)

• اندازه گیری و بردار

• حالت ماده و فشار

• گرما و قانون گازها

از مجموعه کتاب های رتبه ساز

انتشارات آرشین

۱۳۹۴

سرشناسه: محبی، غلامرضا - ۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور: مجلات آموزشی فیزیک - (دوم) - اندازه گیری و بردار - حالت ماده و فشار - گرما و قانون گازها
مشخصات نشر: تهران: آرشین، ۱۳۹۴
فروست: مجموعه کتاب‌های رتبه‌ساز
مشخصات ظاهری: ۴۷ ص، ۲۲ × ۲۹ س م
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۲۰-۴-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیا
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۰۴۷۹۸



عنوان کتاب: مجلات آموزشی فیزیک

(دوم)

اندازه گیری و بردار - حالت ماده و فشار - گرما و قانون گازها

از مجموعه کتاب‌های رتبه‌ساز

مؤلف: غلامرضا محبی

مدیر مسئول: یوسف عباسی

مدیر تألیف: زهره مرادزاده

نوبت چاپ: اول - ۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۲۰-۴-۸

آدرس و شماره تماس: خیابان جمال‌زاده جنوبی، روبه‌روی کوچه رشتچی، پلاک ۱۴۴، طبقه دوم، واحد ۴

۶۶۴۲۲۲۰۰۰۰۹۱۲۲۰۱۷۸۹۶-۰۹۳۰۳۷۹۸۹۷۳۱

وب سایت: www.arshinpress.com

پست الکترونیک: info@arshinpress.com

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ و حق چاپ و برداشت تمام یا قسمتی از آن به صورت جزوه، فتوکپی، چاپ و حتی دست‌نویس برای اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع می‌باشد و متلفین بر اساس بند (۵) ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

دانش آموز گرامی

این عهدنامه همراه با آرزوی موفقیت روزافزون شما، تمامی مراحل زندگی، به صورت تقدیم می گردد.

«عهدنامه»

با خود عهد مینماید «بهترین باشید و به دنیا ثابت کنید که شما بهترین هستید و دست یافته های شما با ارزش ترین است.»

با خود عهد مینماید «به بهترین فکر کنید و برای بهترین کار کنید آنگاه هدیه ی زندگی برای شما بهترین ما خواهد بود.»

با خود عهد مینماید «اشتیاقات گذشته را فراموش کنید و با عزمی راسخ به سوی آینده ای سرشار از پیروزی حرکت نمایید.»

با خود عهد مینماید «این دیدگاه که عدم موفقیت دیروز، زمینه ای برای موفقیت امروز است ملکی ذهنان شود.»

با خود عهد مینماید «حرکز فراموش کنید که بهترین دوست هر کس خود شخص است؛ پس با خود مهربان باشید.»

با خود عهد مینماید «تاریکی را با لامپ انگیخته ی روشن به موفقیت، به دور دست ها برانید تا روشنایی ما به شما بچند بزنند.»

با خود عهد مینماید «به تمام موجودات زنده با بچند نگاه کنید تا ما از تاب زندگی، انرژی ای باور نکردنی نصیبان کرد.»

با خود عهد مینماید «حس خوب مینماید بودن که مهمترین عامل به شرف و در سر موفقیت است را با یادآوری توانایی هایمان،

تجربه کنید و این حس شیرین را برای دوستانان نیز به ارمانان آید.»

با خود عهد مینماید «مشاق موفقیت دیگران باشید آنگاه خواهید دید که راه های موفقیت خودمان نیز هموار می گردد.»

با خود عهد مینماید «مثبت مینماید و حرف های مثبت بزنید زیرا این فکر ماست که نحوه ی زندگی ما را می سازد.»

با خود عهد مینماید «ایکون مینماید: تمامی کائنات برای رشد و تعالی من خلق شده اند؛ ترس، خشم و نداشتی، حرکزی نمی تواند

آرامش ذهنی مرا به هم بریزد.»

محل امضاء دانش آموز

خاطره‌های شنیدنی

کلاس اول، شهرستان بودم سال ۱۳۴۰، همدانی سال اومدیم تهران. به مدرسه اسمم را نوشتند. ما کتابمان دارا آذر بود ولی تهران آب بابا. معطلی بود برای من، هیچی نمی‌همیدم، البته تو شهر خودمون هم همچنین خبری از شاگرد اول بودنم نبود ولی با سختی و بدبختی درسی می‌خواندم.

تو تهران شدم شاگرد تنبل کلاس. معلم پیر روی خودی داشتیم که شد دشمن قسم خورده‌ی من. هر کس درس نمی‌خوند می‌گفت: «می‌خوای بشی فلائی» و منظورش من بینوا بودم. با هزار زحمت رفتم کلاس دوم. آنجا هم از بخت بد من، این خانم شد معلم.

همیشه ته کلاس می‌نشستم و گاهی هم چوبی می‌خوردم که یادم رود نمی‌هستم!!!

دیگر خودم هم باورم شده بود که شاگرد تنبلی هستم تا ابد!

کلاس سوم یک معلم جوان و زیبا آمد مدرسه‌مان. لباس‌های قشنگ می‌پوشید. تلاصه خیلی کار درست بود؛ او را برای کلاس ما گذاشتند. من خودم از اول رفتم ته کلاس نشستم؛ می‌دونستم جام اونجاست. درس داد، مشق گذاشت، برا فردا بیاریم. آنقدر به دلم نشست بود که تمیز مشقم را نوشتم ولی می‌دونستم نتیجه‌ی تنبل کلاس چیست!

فرداش که اومد، یک خودنویس خوشگل گرفت دستش و شروع کرد به امضا کردن مشق‌ها. ه کی شاخ درآورده بودیم آخه مشقامون را یا خط می‌زدن یا پاره می‌کردن. وقتی به من رسید با ناامیدی مشقامو نشون دادم؛ دستام می‌لرزید و قلبم داشت می‌زد. زیر هر مشقی یه چیزی می‌نوشت. خدایا برا من چی می‌نویسه؟

با خطی زیبا نوشت: «عالی»

باورم نمی‌شد بعد از سه سال این اولین کلمه‌ای بود که در تشویق من بیان شده بود.

لبخندی زد و رد شد.

سرم را روی دفترم گذاشتم و گریه کردم. به خودم قول دادم بهترین باشم... آن سال، با معدل بیست شاگرد اول شدم و همینطور سال‌های بعد همیشه شاگرد اول بودم.

وقتی کنکور دادم نفر ششم کنکور در کشور شدم و به دانشگاه تهران رفتم. یک کلمه‌ی به آن کوچکی سرنوشت مرا تغییر داد.

چرا کلمات مثبت و زیبا را از دیگران دریغ می‌کنیم به ویژه شما مادران، معلمان، استادان، مربیان، رؤسای و ...

خاطره‌ای از پروفسور علیرضا شاه‌محمدی

«استاد روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه کنت انگلستان»

سخن ناشر

همیشه سخت ترین نمایش به بهترین بازیگر تان دارد

شاکی سختی های کنکور نباش

شاید تو بهترین بازیگر آن باشی

کنکور؛ استرس، بی خوابی، خستگی، شکست یا رقابت، جذابیت، تلاش، موفقیت
انتخاب هر کدام به نوع رفتار شما بستگی دارد. بسیاری دانش آموزان محو شده در بیوه کتابهای قطور و غم یاد گرفته در لابلای هزاران تست نزده
و صدها کلاس نرفته که هر ثانیه از عمرشان چون صد سال می گذرد و جمله «کاش کنکور لعنتی بیاد بره» و «کی میشه یه دانشگاه کوفتی
قبول بشه از دست این بچه راحت بشیم؟» ذکر روزانه اهالی کنکور شده اما از طرف دیگر، کسانی که از هم اکنون اسب خود را زین کرده، روپوش
پزشکی برتن و کلاه مهندسی بر سر نه به قبولی که به سمت رتبه شدن می تازند.

فهرست

دقت اندازه گیری

بردار

التهای تلف مواد

فشار

تبادل گرمایی

گاز کامل

تست های تکمیلی

فیزیک ۲